

روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

■ **حضرت امیر المؤمنین علی:**
با دشمن دوست دوست دشو که بااین کار
با دوست دشمنی می کنی.

■ اذان ظهر: ۱۲:۰۲ ■ غروب آفتاب: ۱۸:۲۰
■ اذان مغرب: ۱۸:۳۸ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۹
■ اذان صبح فردا: ۴:۱۸ ■ طلوع آفتاب فردا: ۵:۴۲

■ پذیرش آگهی: ۴۳۲۱۰۰۰
■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۲۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین
■ تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■ تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (مج)، کوچه شهید سید کمال فریخی، شماره ۱۴
■ دبستی: ۰۲۵۹۵۴-۱۹۶۶۶ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۲۰۲۶۰۶۷، ۳۳۰۲۰۰۰، ۳۳۰۲۶۰۶۷

■ **شنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۴** ■ **سال سی و سوم** ■ **شماره ۹۴۸۳** ■ سرمایه گذاری برای تولید

حافظ

چو رای عشق زدی با تو گفتم ای بلبل
مکن که آن گل خندان به رای خویشتن است

صفحه از: علیرضا بهرامی

■ **همشهری آنلاین:** www.hamshahronline.ir
■ **سایت روزنامه:** newspaper.hamshahronline.ir

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار
■ دبیر تحریریه: شهرام فرهنگي
■ مدیر روابط عمومی: علی عمادی، شاهین امین
■ معاونان سرپبیر: مدیر فنی: حامد یزدانی
مدیر هنری: مهدی سامانی
دبیر عکس: امیر پناهیور
■ **سیاسی و دیپلماتیک:** مدیر: حسین راجلو
■ **شهرنگار:** مدیر: پروانه بهرام پزاد
دبیر: مریم باقرپور
■ **اقتصاد:** مدیر: حسین لطیفی
دبیر: مریم موسوی پور
■ **تماشاگر:** مدیر: امیر محمد یعقوب پور
دبیر: لیلی خرسند
■ **گزارش:** مدیر: فقیهه طباطبایی

■ **سرزمین من:** مدیر: سیده زهرا عباسی
دبیر: زهرا رفیعی
■ **جامعه:** مدیر: مسعود میر
دبیر: فاطمه عسکری نیا
■ **معاونان آنلاین:** (سینما و تلویزیون): مدیر: سعید مروی
دبیر: علیرضا محمودی
■ **صفحه آخر:** مدیر: عباسی محمدی
دبیر: سعید محمدی
■ **سرگرمی:** مدیر: فرامان شیرزادی
دبیر: فرامان شیرزادی
■ **طرح و گرافیک:** مدیر: محمد علی خلیلی
دبیر: سادات بهشتی

■ **سردبیر آنلاین:** اسماعیل سلطنت پور
■ **معاونان آنلاین:** مجتبی صادقی، کامران یازجی، حامد فوقانی
■ **مدیر فضای مجازی:** زهرا سادات بهشتی
■ **مدیر بخش زنده:** امیر حسین محمد دوست
■ **مدیر تولید تلویزیون:** الهه سادات بهشتی

روز مره نویسی ها

صلات ظهر؛ تجریش...



عیسی محمدی | روزنامه نگار | دوستی تعریف می کرد به یکی از شهرها رفته بود که حالا یک شهر متوسط هم محسوب می شد، البته در این شهر به دنیا آمده بود ولی در روزگار کودکی به تهران آمده بود. می گفت ساعت ۸ شب همه مغازه ها می بستند و شهر کلا تاریک می شد و مایی که به شلوغی تهران عادت کرده بودیم، نمی دانستیم واقعا باید چه کار کنیم. نه می شد قدم زد، نه خریدی کرد، نه جایی رفت، سوت و کور.

بیشتر ما دوست داریم از شلوغی شهر بگریزیم و به یک جای خلوت برویم و استراحتی کنیم اما جالب اینکه بعد از مدتی همین خلوتی دل ما را می زند و مشتاق همان شلوغی می شویم، البته طبیعی است وقتی به دل شلوغی آمدیم باز هم نیاز داریم برای استراحت به جایی خلوت بشتاییم.

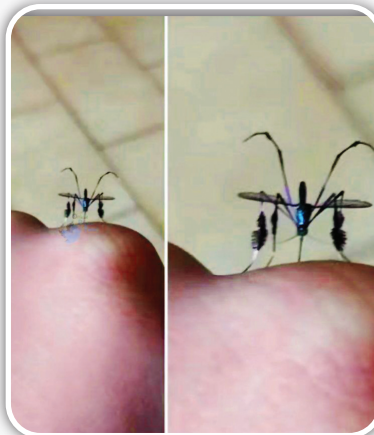
در روزگار جنگ ۱۲ روزه، تهران به شدت خلوت شده بود. من که غالبا از تجریش رفت و آمد می کردم، می دیدم مغازه ها غالبا بسته اند و کسی تردد نمی کند و شهر انگار حال و روز خوشی ندارد. آنجا بود که شلوغی و رفت و آمد و درهم تنیدگی آدم ها برای معنایی دیگر پیدا کرد؛ معنای زندگی، معنای سرزندگی و معنایی اینکه هنوز اینجا زندگی جریان دارد.

جنگ که تمام شد بعد از چند روز هنوز شلوغی به شهر باز نگشته بود. تا اینکه یک روز گرم که وسط ظهر از تجریش عبور می کردم، دیدم شلوغ تر از حتی روزهای عادی است، آن هم در گرمای آن روز. با خودم گفتم خوشبختانه روال عادی به شهر بازگشته است. اصلا با شور و شوق دیگری داشتم به این شلوغی ها نگاه می کردم، شلوغی برایم دیگر به معنای مردمی نبود که نمی گذاشتند به کارم برسیم و سریع تر حرکت کنم. برایم شور زندگی بود. هنوز هم برایم شور زندگی است. حالا این شلوغی می خواهد در مترو باشد، در تجریش باشد، در بازار تهران باشد و در نازی آباد یا هر کجای دیگری. دیگر زیر لب غرولند نمی کنم که این چه وضعش است. اتفاقا می گویم که شلوغ تر، شلوغ تر و باز هم شلوغ تر، چرا که این خود زندگی است.

این شلوغی جدا از معنایی که برایم پیدا کرده، معناهای دیگر هم می تواند به خودش بگیرد. به قول روانشناسان، افسردگی یعنی تنهایی و فاصله گرفتن از دیگران، اقام، دوستان و در تنهایی خود ماندن. باز هم روانشناسان می گویند که ۸۰-۷۰ درصد خوشبختی ما را روابط با دیگران و کیفیت این روابط تعیین می کند. پس شلوغی می تواند افسردگی شهر را هم به هم بریزد. شلوغی می تواند جیب شهر را پر کند. می تواند سفره ها را پرتر کند. می تواند آدم ها را به هم نزدیک تر و شادتر کند و... پس واقعا چرا نباید شلوغی را دوست نداشته باشیم؟ نه، واقعا چرا؟

دور دنیا

پشه‌ای از آینده



تصویری که به تازگی در فضای مجازی به سرعت در حال دست به دست شدن است، کاربران را با یک پرسش بزرگ روبرو کرده: آیا این یک پشه واقعی است یا یک روبات جاسوس پیشرفته؟ ظاهر عجیب و قلزمند این حشره با بدن فیروزه‌ای براق و پاهایی که گویی به قطعات مکانیکی مجهز شده‌اند همه را به یاد فناوری‌های برتر و موجودات فرازمینی در فیلم‌های علمی-تخیلی انداخته است.

این حشره که به نظر می‌رسد از خانواده پشه‌های "Sabethes" باشد به دلیل ظاهر منحصر به فرد و رنگ‌های متالیک خیره‌کننده‌اش، به یکی از سوزه‌های داغ اینترنت تبدیل شده و بحث‌های فراوانی را درباره شگفتی‌های ناشناخته طبیعت به راه انداخته است.

ایران - امت احمد

یکی از جشن‌های بزرگ این روزها در کشور ما جشن امت احمد است که از جمعه پیش در سندنج آغاز شد. در این رویداد، مردم در پیاده‌راه آزادی این شهر قدم می‌زدند و موکب‌ها از آنها پذیرایی می‌کردند. همچنین با حضور هنرمندان و اهالی فرهنگ، ویژه‌برنامه‌های فرهنگی هم ارائه می‌شد. امسال سومین سال برپایی این مراسم است که در این روزها هم قرار است در استان‌هایی مثل تهران، کردستان، سیستان و بلوچستان و... ادامه یابد. از دیگر برنامه‌ها، سفره ختم صلوات و آش خیرات در کرمان، مولودی‌خوانی در مساجد هرمزگان، چاووش خوانی در روستاهای ساوه و... است.



اندونزی - قایق‌های رنگی به عشق پیامبر

در اندونزی، بزرگ‌ترین کشور مسلمان جهان، آیین‌های گوناگونی در شب و روز تولد پیامبر (ص) برپا می‌شود. پخت خورششت کاری به مقدار زیاد و بخش کردن آن میان مردم، سنت دولاتگن و حمل میوه و تفرقات در سبزی و آوردن آن در مسجد و... اما یکی از جشن‌های منحصر به فرد، سنت ماتودو لامپوا است. این مراسم روی قایق‌های تزئین‌شده با پارچه‌های رنگارنگ برگزار می‌شود که کوهی از غذاهای متنوع در آن است.



سودان - راهپیمایی مولود النبوی

نامانی در سودان همچنان بیداد می‌کند، اما جشن تولد پیامبر هر سال در این کشور باشکوه برپا می‌شود. یکی از آیین‌های سودانی‌ها، راهپیمایی مولود النبوی است. در این مراسم خیابان‌ها با بوی عود عطر آگین می‌شود و مردم با پرچم‌های سبز و رنگارنگ و با هلهله و یاگوونی و نواختن طبل، در خیابان‌ها راهپیمایی می‌کنند. امسال هم دیدن این صحنه‌ها، حاکی از دلبستگی مردم به پیامبرشان و عشق به زندگی و اشتیاقشان به صلح با وجود داشتن زخم‌هاست.

مصر - جشن صوفیان

در مصر نیز مردم به خاطر جشن میلاد حضرت رسول (ص) شادی می‌کنند. از جمله این جشن‌ها، جشنی است که دسته‌های صوفیان همراه با مردمی که پرچم‌های رنگارنگ حمل می‌کنند و سرودهای مذهبی می‌خوانند، به شادی می‌پردازند. در این جشن صوفی‌ها بر گرفته از رقص سماع، با چند دامن بلند می‌چرخند. در این مراسم، مردم شیرینی روز عید را میل می‌کنند و ذکر می‌گویند.



تونس - تقدیر از حافظان قرآن

شهر قیروان، نخستین شهری است که مسلمانان آن را فتح کردند و در واقع این شهر، دروازه ورود مسلمانان به قاره آفریقا بوده است و برای مردم تونس بسیار مهم است. در شب‌های میلاد حضرت رسول (ص) در مسجد قدیمی عقبه بن نافع، مراسمی باشکوه برپا می‌شود و به حافظان کل قرآن در این شب عزیز، گواهی‌نامه می‌دهند. البته جشن میلاد پیامبر (ص) بدون دسر معروف اسیدات ز کوکو کامل نمی‌شود.



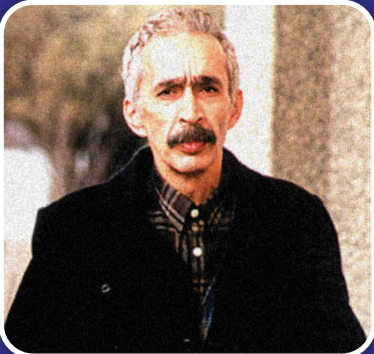
عراق - دورهمی در مساجد

در عراق هم مثل ایران معمولاً جشن میلاد حضرت رسول (ص) یک هفته به طول می‌انجامد. در این ایام عراقی‌ها به خصوص در یکی از مساجد بغداد دور هم جمع می‌شوند و با خواندن شعر، تلاوت قرآن، خواندن سرودهای مذهبی شادی می‌کنند. شب‌ها مردم دور رودخانه دجله جمع می‌شوند و شام، باقلوا، زولبیا و شیرینی هویج نوش جان می‌کنند. این ضیافت با کمک به فقرا، کامل تر می‌شود.

یادداشت

در باره بازیگری که قدرتمند بود

عشق بدون مرز

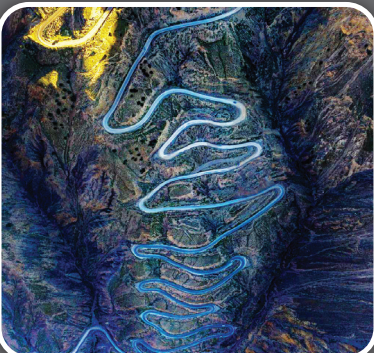


محمد حسین لواسانی | نمی توان دل داده سینمای کمدی بود و از کنار برخی اسامی به راحتی گذشت؛ اسامی‌ای که یکی از آنها در سایه خلاقیت و فن بیان کوتاه بازی می‌کرد و دلنشین. او که با شخصیت مش‌ر حیم، با به صحنه نمایش گذاشت، رفاقتش با حمید جبلی آنقدر سنجاق شد که بعد از جدایی چندین ساله، به ترفندی از این کهنه‌رقیب همراه، ناگزیر به دل بریدن از زن و زندگی شد و خود را به خاک وطن رساند؛ برای مومیایی ۲. برای مرد عوضی، برای عشق فیلم، گرچه عشق تئاتر بود و خاک صحنه او که ره‌توشه هنری خود را پیش از کارگردانی با بازیگری در عرصه‌های تئاتر، سینما و تلویزیون پر کرده بود، با توسل دوستی صمیمی و برادر کوچک‌تر خود را با مویی سیید و چهره‌ای نگران به ایران رساند تا با «دوستان با محبت» خود دوباره لبخند بزند و خنده بنشانند. شبیه‌های انتظار فرودگاه مهر آباد آنقدر بلند بود که ملاقات ۲ دوست و کم‌بهرگی عرصه‌های نمایش و قاپ از رضائیان را ۱۲ سال به درازا ببرد اما او بالاخره از هر آنچه باید دل برید تا «انگوش‌های خالی» کهنه‌رقیبان را با نقش آفرینی‌های به یادماندنی خود پر کند.

حالا آقای تابلوکار «محله بریا» -سواى بازی‌های کمیک خود در «کاشفان باقلوا» یا «قصه‌های آقاجمال» با ایفای نقش در «مرد عوضی»، «مومیایی ۳»، «زیر آسمان شهر» و... توانایی‌های خود را در ایفای رل‌های کمدی بیش از پیش به رخ کشید و چندباره نشان داد که «عشق بدون مرز» او بازیگری است؛ بازیگری که در حرفه خود تا آنجا ایده‌پرداز و خلاق بود که اکبر عبیدی با آن سبقه درخشان در نقش آفرینی در قالب‌های متعدد، او را معلم خود بخواند. رضائیان که فعالیت هنری خود را از خانه پیشاهنگی و کاخ جوانان آغاز کرد، متولد شهر زنجان به سال ۱۳۲۸ بود. او که با مومیایی ۲ بر شهرت سینمایی خود افزود در اواخر دومین ماه زمستان ۸۱، طرح نما پیشانه‌های بسیاری را تا بهشت با خود برد تا این‌بار دوستانش را برای همیشه تنها بگذارد.

عکس خانه

مار پیچ خطرناک ناندل



این شاهکار مهندسی که همچون رگ‌هایی پیچ‌در پیچ بر تن صخره‌های سترگ البرز نقش بسته، مسیری است که کمتر کسی جسارت پیمودن آن را دارد؛ جاده روستای ناندل در آمل. این تصویر هوایی شگفت‌انگیز که توسط کاوه سیداحمدیان ثبت شده و اخیراً در فضای مجازی بسیار پربازدید شده است، تنها بخشی از ابهت و البته خطر این جاده را به نمایش می‌گذارد. مسیری که در نگاه اول یک نقاشی انتزاعی از طبیعت به نظر می‌رسد در واقع یکی از پرشیب‌ترین و خطرناک‌ترین جاده‌های ایران است.

باورکردنی نیست اما برای طی کردن این مسیر تنها ۵ کیلومتری از جاده هراز تا راسمیدن به ارتفاعات باید ۶۰۰ متر اوج گرفت.

هر پیچ تند و هر دره عمیق داستستانی از چالش انسان با کوهستان را روایت می‌کند. این جاده نه تنها راه دسترسی به بهشت گمشده ناندل و دامنه شمالی دماوند است، بلکه به یک جاذبه دلبره آور و شگفت‌انگیز برای ماجراجویان و عکاسان تبدیل شده است. این مارپیچ سنگی آزمونی برای مهارت رانندگان و دعوتی برای تماشاى منظره‌ای است که نفس را در سینه حبس می‌کند: ترکیبی از زیبایی، هیجان و ابهت بی‌پایان طبیعت ایران.